

فهرست

		دین و زندگی دهم	
درس نامه	تست	درس نامه	تست
۳۰۶	۳۰۰	درس یازدهم	جهاد در راستای ولایت ظاهري
۳۱۴	۳۱۱	درس دوازدهم	عصر غیبت امام زمان <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَّهُ</small>
۳۲۶	۳۱۸	درس سیزدهم	در انتظار ظهور
۳۳۷	۲۲۲	درس چهاردهم	مرجعیت و ولایت فقیه
۳۴۸	۳۴۲	درس پانزدهم	رهبری و مردم
	۲۵۳	بخش دوم	در مسیر
۳۶۰	۳۵۴	درس شانزدهم	عزت نفس
۳۶۹	۳۶۵	درس هفدهم	زمینه‌های پیوند
۳۷۷	۳۷۴	درس هجدهم	پیوند مقدس
		دین و زندگی دوازدهم	
۳۸۱		بخش اول	تفکر و اندیشه
۳۹۰	۳۸۲	درس اول	هستی بخش
۴۰۸	۳۹۷	درس دوم	یگانه بی همتا
۴۲۲	۴۱۴	درس سوم	توحید و سبک زندگی
۴۳۶	۴۲۷	درس چهارم	فقط برای تو
۴۴۸	۴۴۱	درس پنجم	قدرت پرواز
۴۶۶	۴۵۴	درس ششم	سنتهای خداوند در زندگی
	۴۷۳	بخش دوم	در مسیر
۴۸۳	۴۷۴	درس هفتم	در گرو کار خویش
۴۹۶	۴۸۸	درس هشتم	بارگشت
۵۰۹	۵۰۱	درس نهم	زندگی در دنیا امروز و عمل به احکام الهی
۵۲۳	۵۱۴	درس دهم	پایه‌های استوار
۵۳۶	۵۳۰	درس یازدهم	عصر شکوفایی
۵۴۴	۵۴۰	درس دوازدهم	نگاهی به تمدن جدید
۵۵۸	۵۴۸	درس سیزدهم	مسئولیت بزرگ ما
	۵۶۴	سوالات پایه دهم و یازدهم	۹۸ کنکور سراسری
	۵۶۷	پاسخنامه کلیدی	
	۱۶	۸	درس اویل
	۲۹	۲۱	درس دوم
	۴۰	۳۷	درس سوم
	۴۹	۴۳	درس چهارم
	۶۳	۵۵	درس پنجم
	۷۷	۷۲	درس ششم
	۸۸	۸۳	درس هفتم
	۱۰۱	۹۴	درس هشتم
	۱۱۵	۱۰۸	درس نهم
	۱۲۴	۱۲۰	درس دهم
	۱۳۴	۱۲۸	درس یازدهم
	۱۴۸	۱۴۱	درس دوازدهم
	۱۵۹	۱۵۵	درس سیزدهم
	۱۶۷	۱۶۳	درس چهاردهم
			دین و زندگی یازدهم
	۱۷۳		بخش اول
	۱۸۳	۱۷۵	درس اویل
	۱۹۷	۱۹۱	درس دوم
	۲۰۸	۲۰۳	درس سوم
	۲۲۰	۲۱۳	درس چهارم
	۲۳۴	۲۲۶	درس پنجم
	۲۵۰	۲۴۳	درس ششم
	۲۶۳	۲۵۴	درس هفتم
	۲۷۶	۲۷۱	درس هشتم
	۲۸۵	۲۸۰	درس نهم
	۲۹۵	۲۹۱	درس دهم

فرد رفتار پرداز

تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی

هدف کلی

مفاهیم اصلی

اختیار

قضا و قدر الهی

علل طولی

علل عرضی

سؤالات اصلی درس

در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال‌ها خواهیم پرداخت که:

- ۱- با توجه به این که همهٔ خدادادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوندان است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟
- ۲- آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟
- ۳- در این نظام که با علم و اراده الهی اداره می‌شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟
- ۴- آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

توضیح

این جهان گواهی می‌دهد که یک اراده بر آن حاکم است و این اراده با حکمت و تدبیر خود، جهان را اداره می‌کند و این مفهوم با اختیار انسان منافات ندارد.

این درس به رابطهٔ توحید در روبیت و اختیار انسان می‌پردازد. با توجه به توحید در روبیت می‌گوییم: نظام متقن و به هم پیوسته و همانگ

اختیار، حقیقتی وجودی و مشهود

اتفاقات میان افعال اختیاری و غیراختیاری

▪ میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدمزنی، تفاوت اساسی وجود دارد. همچنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد، اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذاخوردن اختیاری وتابع اراده انسان است.

مفهوم اختیار و مشهود بودن آن برای انسان

- اختیار، به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- اختیار یک حقیقت وجودی است و هر انسانی آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شباهه روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

می‌فشناد او میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمت، بگو چه می‌کنی؟
می‌خورد خرما که حق گردش عطا
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
می‌گشی این بی‌گنه را زار زار
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
من غلام و آلت فرمان او
اختیار است، اختیار است، اختیار

آن یکی می‌رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای ذنی
گفت: از باغ خدا بندۀ خدا
پس ببستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
گفت: کز چوب خدا این بندۀ اش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او
گفت: توبه کردم از جبر ای عیار

در این ابیات، شاعر به مشهود و وجودی بودن اختیار اشاره دارد و می‌گوید حتی اگر کسی در سخن آن را انکار کند، در عمل می‌فهمد که موجودی مختار است. شاعر یک دزد را مثال می‌زند که دزدی خود را به پای بخشش الهی می‌گذارد که خدا به او بخشیده و اختیار خود را انکار می‌کند، اما هنگامی که با مجازات عمل خود مواجه می‌شود، می‌فهمد که نمی‌تواند اعمال اختیاری خود را با انکار اختیار توجیه نماید. این ابیات با اشاره به مجازات فرد گناهکار، بیانگر «مسئولیت‌پذیری» از نشانه‌های اختیار نیز می‌باشد.

اختیار نداشتن ماده‌های امورا

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست.

مثال هیچ‌یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گرددش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می‌شود.

او، عاقبت وی را رقم می‌زند.

۲- کلیدواژه

و جدایی بودن اختیار: اختیار حقیقتی وجودانی است. «وجودان» به معنی یافتن است و به گرایش‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیاتی از انسان که هر انسان آن را در خود می‌بابد، «وجودانی» می‌گویند.

۱- توضیح

حقیقت وجودی اختیار روشن و غیر قابل انکار است؛ زیرا کسی که آن را انکار می‌کند، در همان حال اثبات می‌کند که این انکار را آگاهانه و از روی اختیار انجام داده است.

البته انسان در همه امور اختیار ندارد ولی همین قدرت اختیار محدود

شواهد وجود اختیار

با وجود روشن‌بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

۱- تفکر و تصمیم

هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتداء اندیشه می‌کنیم و جواب آن را می‌سنجدیم و سپس دست به عمل می‌زنیم.

گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدامیک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیریم و عمل می‌کنیم.

این‌که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

این بیت می‌گوید این‌که انسان از میان چند راه برای انجام‌دادن، دچار تردید است و یکی را باید انتخاب کند، دلیل و نشانه اختیارش است.

۲- احساس رضایت یا پشیمانی

هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندي وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم.

گاه نیز در کاری مرتكب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشتمام.

گر نبودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجلت و آزم چیست؟
وان پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشته مهندی

بیت اول می‌گوید که اگر انسان اختیار نداشت، دچار شرم، ناراحتی، افسوس و حسرت نمی‌شد و در بیت دوم می‌گوید که پشیمانی حاصل از عمل بدی که مرتكب شده، او را به داشتن اختیار هدایت می‌کند.

۳- مسئولیت‌پذیری

هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم.

عهده‌ها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ور نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

هیچ کس اشیای بی‌اختیار مثل سنگ و کلوخ را سرزنش و مجازات نمی‌کند؛ زیرا نظام پاداش، جزا و مسئولیت‌پذیری برای انسان که موجودی مختار است، معنا دارد.

نتیجه

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید: «إِنَّهُ دَيْنُنَا الْسَّبِيلُ إِنَّمَا شَاكِرًا وَ إِنَّمَا كَفُورًا»

(۲) احساس رضایت یا پشیمانی: احساس رضایت در صورت موفقیت و احساس ندامت در صورت زیان‌رساندن به خود و دیگران

(۳) مسئولیت‌پذیری: پذیرش آثار و عواقب عمل خود، جبران زیان‌های وارد، استواری عهده‌ها و پیمان‌ها، نظام پاداش‌ها و مجازات‌ها.

۱- توضیح

در هر یک از نشانه‌های اختیار موارد زیر مطرح می‌شود:

(۱) تفکر و تصمیم: اندیشیدن، سنجیدن جوانب کار، دچار تردید شدن، انتخاب یک کار از میان چند راه

۲- رابطه علت و معلولی

از کلمه «زیرا» می‌فهمیم: کار اشتباه را از آن خود دانستن به دلیل اختیار: علت و احساس ندامت و پشیمانی از آن کار: معلول و نتیجه آن است.

سوره انسان، آیه ۳

إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ السَّبِيلَ

مَا رَاهُ رَاهٌ وَ اُنْشَانُ دَادِيهِمْ

إِنَّا شَاكِرُونَ وَ اِمَّا كُفُورًا

يَا سُپَاسًا گَرَارُ خَوَاهَدِ بُودَ يَا نَاسِيَاسَ.

تناسب میان هدایت انسان و قدرت اختیار او

آنا هدیناه السبيل:
فلسفه نبوت، نشان دادن راه

امما شاكراً و امما كفوراً:
قدرت اختیار انسان

۱- آنا هدیناه السبيل: خداوند متعال، با ارسال رسولان و ازال کتب آسمانی راه را به انسان نشان داد. در حقیقت، فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است.

۲- امما شاكراً و امما كفوراً: اصلی ترین قسمت آیه، همین عبارت است.

انسان خودش مختار است که یا راه هدایت و راهنمایی خداوند را انتخاب کند و بدین ترتیب سپاس گزار و شاکر باشد و یا راه گمراهی را انتخاب نماید و از لطف و هدایت الهی بهره نبرد و ناسپاس باشد. در حقیقت، شکرگزاری یا کفران، به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد. پیام اصلی این آیه، قدرت اختیار انسان است، نه هدایت او.

۳- ارتباط مفهومی: این آیه با آیات: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ يَسِّعُ بِظَلَامِ الْعَبِيدِ﴾ و ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَيْنَ فَعَلَيْهَا﴾ هم مفهوم است و هر دو بیانگر اختیار انسان است.

۴- نکته ترکیبی (۱): (درس ۲- دهم) یکی از سرمایه‌های انسان، قدرت اختیار است. خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خوبیش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۵- نکته ترکیبی (۲): (درس ۲- دوازدهم) آیه: ﴿أَنَا هَدَيْنَاكُمْ السَّبِيلَ﴾ بیانگر توحید در روایت است.



پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدامیک از شواهد و نشانه‌های وجود اختیار در انسان را بیان می‌کند؟

۱- «قد جاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَيْنَ فَعَلَيْهَا»: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتران به سوی شما آمده است. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست. این آیه بیانگر این است که خداوند، رهنمودها و دلایل روشن خود را برای ما انسان‌ها می‌فرستد و این انسان است که باید براساس تفکر و تصمیم با این رهنمودها مواجه شود. او هم می‌تواند این دلایل روشن را نادیده بگیرد و تصمیم به مخالفت و نادیده گرفتن آن‌ها بگیرد و هم می‌تواند با تفکر و تصمیم درست، دست به انتخاب صحیح بزند و به نفع خوبیش گام بردارد. اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری، نشانه‌ای از اختیار انسان است.

۲- «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ يَسِّعُ بِظَلَامِ الْعَبِيدِ؛ این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند».

این آیه اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خوبیش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است. اشاره خداوند به این مطلب نشان از اختیار انسان است، زیرا اگر انسان اختیاری در انجام اعمال خود نداشت، یقیناً مسئول کردار خود نیز نبود و نباید به خاطر این رفتارها مجازات می‌شد.

سوره انعام، آیه ۱۵۴

قد جاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ

به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتران به سوی شما آمده است.

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ

پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست

وَ مَنْ عَيْنَ فَعَلَيْهَا

و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.

قدرت تفکر و تصمیم‌گیری از نشانه‌های اختیار انسان

قد جاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ:
نزول رهنمودها و دلایل روشن بر انسان

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَيْنَ فَعَلَيْهَا:
اختیار انسان در قبول یا رد آن‌ها

۱- قد جاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِّنْ رَّبِّکمْ: این عبارت می‌گوید که رهنمودها و دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده است، یعنی خداوند، انسان را هدایت کرده است و راه درست را به او نشان داده است: ارزانی‌شدن یا نزول رهنمودها و دلایل روشن الهی بر انسان.

۲- فمن ابصر فلسفه: این عبارت، بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در قبول این رهنمودهای است. سود ایمان و ثمره پذیرش دلایل روشن الهی به خود انسان برمی‌گردد و انسان‌ها در انتخاب راه آزادند. کسی که بصیرت دارد و چشم دل را بر رهنمودهای الهی باز می‌کند، خودش از ثمرات آن بهره می‌برد.

۳- و من عَمِيْ فَعَلَيْهَا: این عبارت نیز بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در رد این دلایل روشن است. زبان کفر و نافرمانی از خداوند، به خود انسان برمی‌گردد.

کسی که چشم دل را بر روی حقیقت می‌بیند، کور است و خودش زیان می‌بیند.

۴- ارتباط مفهومی: این آیه با آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ أَنَّا شَاكِرُوْنَا كَفُورًا﴾ ارتباط دارد و هر دو بیانگر اختیار انسان در قبول یا رد هدایت الهی است. هم‌چنین با آیه: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ إِيمَانِكُمْ﴾ نیز مرتبط است و هر دو بیانگر اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش است.

۵- نکتهٔ ترکیبی: (درس ۲. دوازدهم) نزول دلایل روشن بر انسان و عبارت: ﴿مِنْ رَبِّكُمْ﴾ در این آیه، هر دو بیانگر توحید در ریویت است. هم‌چنین عبارت: ﴿فَمِنْ أَبْصَرَ فَلِفَسْهُ وَ مِنْ عَمِيْ فَعَلَيْهَا﴾ با عبارت ﴿هُلْ يَسْتَوِ الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ﴾ ارتباط دارد و در هر دو، کسی که دل خود را بر حقیقت بیند، کور و هر کس چشم دل را بر حقیقت باز بگذارد، بینا نامیده شده است.

سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

ذلك بما قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ
علت آتشِ دوزخ، گناهان اختیاری انسان

وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ
ظلم‌نکردن خدا به بندگان

ذلك بما قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ
این [اعقوبته]، به خاطر کردار پیشین شماست.
وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ
[ونیز] به خاطر آن است که [خداؤند] هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.
مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار انسان

۱- ذلك بما قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ: انسان مختار است و به همین جهت مسئول اعمالش است. کفر و عقوبته الهی، براساس اعمال اختیاری و آگاهانه انسان در دنیاست: مسئولیت‌پذیری انسان.

۲- وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ: کیفرهای الهی، ظلم خدا بر انسان نیست، زیرا خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه ظلم انسان بر خود با انجام گناه در دنیاست.

۳- رابطه علت و معلوی: از کلمه «به خاطر» می‌فهمیم: ارتکاب گناهان اختیاری در دنیا و ظلم‌نکردن خدا به بندگان: علت و گرفتاری به عقوبته الهی در قیامت: معلوم و نتیجه آن است.

۴- ارتباط مفهومی: این آیه با دو آیه قبل، یعنی ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ أَنَّا شَاكِرُوْنَا كَفُورًا﴾ و ﴿فَمِنْ أَبْصَرَ فَلِفَسْهُ وَ مِنْ عَمِيْ فَعَلَيْهَا﴾ هم‌مفهوم است و هر سه به اختیار انسان اشاره دارد.

۵- نکتهٔ ترکیبی (۱): (درس ۶. دهم) با توجه به آیه «فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند در حالی که به خود ظلم کرده‌اند می‌گویند: شما در دنیا چگونه بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟» به اختیار انسان در انجام گناه پی میریم.

۶- نکتهٔ ترکیبی (۲): (درس ۵. دهم) این آیه که به ظلم‌نکردن خداوند اشاره دارد، بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است و با آیه: ﴿إِنَّمَا نَجْعَلُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمَفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾ ارتباط دارد.

۷- نکتهٔ ترکیبی (۳): (درس ۸. دهم) آیه: ﴿أَنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أموالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا أَنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بَطْوَنِهِمْ نَارًا وَ سِيَّرُونَ سَعِيرًا﴾ نیز، گرفتاری به آتش جهنم را نتیجه گناه خوردن مال یتیم از روی ظلم در دنیا بیان کرده است.

۸- نکتهٔ ترکیبی (۴): (درس ۶. دوازدهم) مطابق با سنت الهی میان عمل و کیفر تناسب وجود دارد و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند. مفهوم این آیه با آیه: ﴿مِنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ تناسب دارد.

هم‌چنین در آیه: ﴿وَ لَكُنْ كَذِيْبَا فَاحْذَنُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ نیز گرفتاری جامعه نتیجه گناهان مستمر اختیاری افراد جامعه بیان شده است.

قانون مندی جهان، زمینه‌ساز شکوفی اختیار

اتبیین نسبت اختیار با قوانین حاکم بر هستی و تدبیر خداوند

▪ خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن جا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

▪ ممکن است در اینجا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود؛ به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانون مند است)؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟



قدروقضای الهی

- قبل از پاسخ به این سوال لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قدر» و «قضا» را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آن‌ها عمیق‌تر تأمل کنیم.
- مفهوم «قدر» و «تقدیر»**
- «قدر» و «قدر» به معنای «اندازه» است.
- «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است.

مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.

مفهوم «قضا»

- «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»؛ «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان، حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.

مفهوم قضاو قدری جهان

- پس این‌که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه جهان (تقدیر) نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن (قضا).

اعتقاد به قضاو تقدیر الهی، مبنای کاروفعالیت اختیاری انسان

- حال با توجه به معنای قدر و قضاء، اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانون‌مند نبود)، آیا می‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟
- از این‌رو، فقط با زندگی در یک جهان قانون‌مند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، زیرا اگر واقعیت جهان قانون‌مند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- آیی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست، یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنجی می‌شود.
- اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند، اگر واقعاً بخواهد همین نگاه را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی خواهد داشت؟

درباره سوال‌های قسمت قبل بیندیشید و نظر خود را درباره هر یک از آن‌ها ارائه دهید.

کسی که تقدیرهای جهان را نبیند و نظم جهان را اتفاقی از میان میلیاردها اتفاق دیگر تلقی کند، دچار هراس، دلهز و وحشت می‌شود و یأس و نالمیدی وجود او را فرا خواهد گرفت.

نسبت به فردای جهان، نالمید است و جهان را محدود به همین دنیای مادی می‌داند.

در چنین جهانی، انسان از خود اراده و اختیار ندارد و هر لحظه در معرض حوادث و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده قرار می‌گیرد که منجر به جبرگرایی می‌شود. چنین فردی، دچار بوجی، ترس و وحشت می‌شود و احساس امنیت خاطر از زندگی او رخت بر می‌پندد.

۱- توضیح

- این قسمت ناظر بر یک مسئله مهم در بحث اختیار انسان است. آن مسئله این است که در دایرة قضا و قدر الهی، اختیار انسان چگونه توجیه‌پذیر است. برای فهم درست پاسخ، به توضیح مفهوم «قضا» و «قدر» الهی و رابطه آن با صفات خداوند پرداخته است. همین اعتماد به قضاء و قدر الهی موجب فهم درست جهان و فعالیت آگاهانه انسان برای پیشرفت می‌شود.

۲- کلیدوازه

تمامی واژه‌هایی که در هر یک از کلیدوازه‌ها آمده، بر آن مفهوم دلالت دارد.

تقدیر: تعیین اندازه، حدود، طول و عرض، حجم، ویژگی، کیفیت، موقعیت مکانی و زمانی، کلیه روابط میان موجودات، نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها، قانون‌مندی و قایع جهان: علت و امکان رابطه تقدیر با صفات الهی: تقدیر، برخاسته از علم و حکمت خداست.



اصلاح‌یکپندار

اقضا و قدرالهی، عامل حرکت اختیاری انسان

برخی که می‌بندارند قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است، تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زنند؛ در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است. این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است. پس بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

برداشت اشتباه: جبری انگاری قضای الهی و نفی اختیار

روزی امیر مؤمنان علی علیه السلام با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای این که مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آن جا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیر المؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟»

امام فرمود: «نه، از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» یعنی از نوعی قضای الهی به نوع دیگری از قضای الهی پناه می‌برم.

برداشت نابه جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است.

برداشت درست: تقدير و قضای الهی همان نظام حاکم بر جهان

امیر المؤمنین علی علیه السلام با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضای، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است، اما این قضایا متناسب با ویژگی و تقدير خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلًاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدير و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند. بنابراین، جهان آفرینش مجموعه‌ای از قدرها و قضاهای الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

۱- توضیح

سخن امیر مؤمنان در پاسخ به یکی از اصحاب خود، قانونمندی قابل اعتماد و امکان حرکت اختیاری را آشکارتر می‌سازد. برداشت آن مرد این بود که انسان، اختیار ندارد و قضای الهی ارتباطی با نظام این جهان ندارد و اگر قضای الهی بر مرگ کسی باشد، چه پای دیوار خراب و چه پای دیوار محکم، می‌میرد. امیر مؤمنان به آن مرد آموخت که قضای الهی برای دیواری با این تقدير که سست باشد و برای دیواری با آن تقدير که مستحکم باشد، متفاوت است. برداشت غلط آن شخص، هر حرکت



اختیار انسان، یک تقدير الهی

اصداقی از تقديرات الهی

وقتی از تقدير جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقديرها هستند. تقدير الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها، کمیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.

این که آب در چه درجه‌ای به جوش آید، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقديرات الهی است.

اختیار انسان به عنوان مصدقی از تقديرات الهی

یکی از تقديرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این گونه تقدير کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

توضیح

این بخش توضیح می‌دهد که نه تنها اختیار با تقدير در تقابل نیست، بلکه خداوند چنین تقدير کرده است که انسان کارهای خود را با اختیار انجام دهد. البته همان‌طور که در ابتدای درس گفتیم، همه کارهای انسان اختیاری نیست مثل پش قلب؛ اما آن دسته از کارها که

انسان با تفکر و اندیشه خود انجام می‌دهد، فعل اختیاری محسوب می‌شود و خداوند این تقدير را برای انسان قرار داده است که به اختیار خود چنین کارهایی را انجام دهد. در نتیجه داشتن اختیار انسان، خود یک تقدير الهی است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

طرح مسئله

در اینجا ما با یک مساله دیگر رویه رو می‌شویم. آن مسئله این است که: چگونه می‌توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند: ۱) علل عرضی، ۲) علل طولی.

۱- علل عرضی

در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند.

مثل برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند یا مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جایه‌جا می‌کنند. هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جایه‌جا گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می‌کند تا گل بروید یا گلدان جایه‌جا شود. این گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند. در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- علل طولی

گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.

مثل به هنگام نوشتن، چند عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

اول: نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند.
دوم: ساختار عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستمان می‌شود.
سوم: قلم که با حرکت خود در صفحه، جملات را می‌نگارد.

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده‌ای است که برآمده از نفس شمامست. این علتها را «علل طولی» می‌گویند.

در مثال پرورش گل، علتها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علتها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند، بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).

اختیار انسان، در طول اراده خداوند

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۱- توضیح

در بحث علل عرضی این موارد مطرح می‌شود: وجود چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر - اعمال اثر خاصی مستقل از سایر عوامل - نقش متفاوت و مستقیم هر عامل - عدم امکان انجام یک کار به صورت تنهایی

در بحث علل طولی این موارد مطرح می‌شود: تأثیر عوامل به صورت تقدم و تأخیر - دخالت چند عامل با یکدیگر نه به صورت مستقل - امکان نسبت دادن عمل به هر یک از عوامل - علت بودن هر علت از عامل بالاتر - با توجه به ویژگی‌های علل طولی، اراده ما در طول اراده

با این‌که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موقعيت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضای و قدر الهی نسبت دهند؟
شکست‌ها برای انسان ناخوشایند است و انسان‌ها همواره سعی بر فرار از آن‌ها دارند. آن‌ها به دنبال مقصري هستند تا اشتباهشان را به گردان او بیندازند. اگر این‌طور نبود چرا کسی موقعيت‌هایش را به قضای و قدر الهی نسبت نمی‌دهد؟

نمونه

پس از جنگ صفين و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضای و قدر الهی بود؟ آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتيید، مگر به قضای و قدر الهی.» آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشيم؟» (این همان برداشت نادرست از قضای و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)

امام علی علیه السلام، فرمود: «خداؤند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آن جا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ‌یک از این مراحل مجبور نبودید.» سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از این که گفتم رفتنتان بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این‌گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»

جبری در کار نیست و به خاطر همین انتخاب‌هاست که نظام پاداش و جزا در دنیا و آخرت معنا دارد.

۲- رابطه علت و معلولی

جبری و حتمی بودن قضا و قدر الهی: علت، باطل و بیهوده شدن پاداش‌ها و مجازات: نتیجه و معلول است.

۱- توضیح

حضرت علی علیه السلام در این واقعه به بیان رابطه قضا و قدر الهی و اراده و اختیار انسان می‌پردازد. این صحیح است که رفتن به جنگ و جهاد در راه خدا بنا بر قضا و قدر الهی صورت گرفته است اما از آن جا که انسان اختیار دارد و می‌تواند جهاد در راه خدا یا چیزهای دیگر را انتخاب کند،

سؤال ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آیندهٔ مرا می‌داند، پس دیگر تلاش و اراده من چه نقشی در آینده‌ام دارد؟

پاسخ چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از مقایسه کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از لغزشگاه‌هایی است که قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

کلید پاسخ به این سؤال در این نکته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند انجام حوادث را در بر می‌گیرد. در حالی که علم انسان‌ها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتbal که نتیجه یک مسابقه را پیش‌بینی می‌کند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، هر یک براساس اطلاعات محدودی که دارد، دست به این کار می‌زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت، آیا متوجه خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. در حالی که علم خداوند این‌گونه نیست. او همان‌طور که پایان فرایند را می‌بیند بر تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرایند هم شاهد و گواه است. او می‌داند که مثلاً فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می‌گیرد از میزان خواب خود کم کند و دهانه تصمیم اختیاری دیگر. هم‌چنین می‌بیند که این تصمیم‌ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجهٔ پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیم‌ها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت علم خداوند، پیش‌بینی صرف درباره نتیجه نیست، بلکه خداوند با شناخت کامل و دقیقی که از مخلوقات خود دارد، می‌داند که این فرد با انتخاب خودش، چه مسیری را در پیش می‌گیرد.

توضیح

در این سؤال علم خداوند محدود به زمان نیست و آینده و گذشته برای آن معنای ندارد ابتدای عمل، حین عمل و انتهای آن را می‌داند و به

همین دلیل با علم انسان که محدود به زمان است و هر چیزی که می‌داند مربوط به گذشته و زمان حال و نهایتاً پیش‌بینی نسبت به آینده می‌باشد. تفاوت دارد.

..... پرسش‌های چهارگزینه‌ای

گنگور

۲۰۲۰- با توجه به این که اختیار انسان، یک تقدير الهی است، کدام مورد رابطهٔ بیان اختیار و تقدير الهی را به درستی بیان می‌کند؟

(قارج از کشور انسانی) (۹۸)

۱) تقديرات، هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدود کننده آن است.

۲) اختیار انسان با تقدير الهی به طور کامل سازگار است اما با قضای الهی ناسازگار می‌باشد.

۳) خداوند اختیار را ویژگی ذاتی آدمی قرار داده است و هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود.

۴) خداوند، قدرت اختیار و اراده به انسان عطا کرده است، فقط مشیت الهی مانع از اختیار انسان است.

(تبری) (۹۸)

۲۰۲۱- ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه‌ای دارد؟

۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.

۲) بر مبنای تقدير الهی او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.

۳) بر مبنای تقدير الهی او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

۲۰۲۲- اگر بگوییم «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن گفته‌ایم که مبنای آن، قبول عل است و حاکی از الهی می‌باشد.

(تبری) (۹۸)

۴) نادرستی - عرضی - تقاضای

۳) درستی - عرضی - قضای

۲) نادرستی - طولی - تقاضای

۱) درستی - طولی - تقاضای

۲۰۲۳- مفهوم کدام آیه شریفه به انسان این اطمینان را می‌دهد که می‌تواند از قدرت اختیار خود استفاده کند؟ (انسانی ۹۸ با تغییر)

- ۱) ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَّهُمْ سَبَلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۲) ﴿فَإِنَّمَا أَعِظُّكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُولُوا لِلَّهِ مَنْشَى وَ فُرَادَى﴾
- ۳) ﴿إِنَّهَدِيَّنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾
- ۴) ﴿وَ أَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

۲۰۲۴- با توجه به عبارت شریف **﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِنْ رَيْكُمْ﴾** تقدیر الهی برای انسان چیست؟ (زبان ۹۸)

- ۱) مشیت الهی، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.
- ۲) مسئولیت‌پذیری، مبنای عهدها و پیمان‌های ماست.
- ۳) بصیرت الهی، مانع از گمراهی و ضلالت انسان است.
- ۴) رضایت و ندامت، نشانگر قدرت انسان بر انجام کار است.

۲۰۲۵- کدام آیه شریفه عقیده «جبرگرایی» را نفی می‌کند و زندگی در جهان قانون‌مند، این امکان را به ما می‌دهد تا به هدف‌های خود برسیم. این قانون‌مندی چه نامیده شده است؟ (ترکیبی ریاضی ۹۶ و ۹۷ با تغییر)

۱) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِنْ رَيْكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِعَيْنِهِ﴾ - قضا و قدر الهی

۲) ﴿إِنَّمَا اعْاهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بْنَى آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - قضا و قدر الهی

۳) ﴿إِنَّمَا اعْاهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بْنَى آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - نظام علی و معلولی

۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِنْ رَيْكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِعَيْنِهِ﴾ - نظام علی و معلولی

۲۰۲۶- حضرت علی **عليه السلام** از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم «چه مطلبی را به یارانشان آموزش دادند؟ (هنر ۹۷)

۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.

۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌یابد.

۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرك و عمل انسان است.

۴) فروریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.

۲۰۲۷- اختیار در انسان چگونه امری است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟ (هنر ۹۵ با تغییر)

۱) مشهود و انکارناپذیر - **﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَّهُمْ سَبَلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾**

۲) قضای الهی و تغییرناپذیر - **﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَّهُمْ سَبَلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾**

۳) مشهود و انکارناپذیر - **﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِنْ رَيْكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِعَيْنِهِ﴾**

۴) قضای الهی و تغییرناپذیر - **﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٍ مِنْ رَيْكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِعَيْنِهِ﴾**

۲۰۲۸- با توجه به این که دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمرة اطاعت و زیان نافرمانی کدام است؟ (زبان ۹۵ با تغییر)

۱) **﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِعَيْنِهِ﴾**

۲) **﴿وَ لَتَبَتَّلُوا مِنْ فَصِيلَهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشَكَّرُونَ﴾**

۳) **﴿إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾**

۴) **﴿وَ لَئِنْ زَالَتِ إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَخْدِ مِنْ بَعْدِهِ ...﴾**

۲۰۲۹- از آیه شریفه **﴿إِنَّهَدِيَّنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾** کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟ (ریاضی ۹۳)

۱) فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.

۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و ناششن اختیار برای انسان امر عادی است.

۳) فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکرگزاری را تبیین می‌کند.

۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

۲۰۳۰- تعیین اندازه، بیزگی‌ها و نقشه‌پدیده‌ها چه نام دارد و برخاسته از چیست و موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد

می‌شوند، تسلیم چه چیزی هستند؟ (انسانی ۹۳ با تغییر)

۱) تقدیر - علم الهی - قضای الهی - قضا - علم الهی - قدرت الهی - تقدیر الهی - قضای الهی - قدرت الهی

۲۰۳۱- اگر از ما پرسند: «صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، کجا است؟»، می‌گوییم: آن‌جا است که (ریاضی ۹۳)

۱) باطل با تمام آسودگی‌های فطرت‌آزارش خودنمایی کند.

۲) قضا و قدرهای متفاوت، او را احاطه کرده باشد.

۳) جایگاه خود را در نظام قانون‌مند آفرینش، درک کرده باشد.

۲۰۳۲- «جوشش آب در درجه مشخص» و «برخورداری انسان از اختیار»، به ترتیب از مصادیق و الهی است که امر دور برخاسته از عل است.

۱) تقدیر - تقدیر - طولی ۲) تقدیر - قضا - طولی ۳) قضا - عرضی ۴) قضا - عرضی (تمهی ۹۳)

۲۰۳۳- «تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «واسطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر و الهی اند.

۱) قدر - قضای ۲) قضای - قضای ۳) قضای - قضای ۴) قضای - قضای (انسانی ۹۳ با تغییر)

۲۰۳۴- هرگاه فروریختن دیوار کج را بر انسانی که زیر آن نشسته و متوجه کجی و سستی آن است، یک قضای الهی بدانیم، فرار از این قضای امری است که پیام آیه شریفه حاکی از این حقیقت است. (زبان ۹۳ با تغییر)

۱) ناممکن - **﴿إِنَّهَدِيَّنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾**

۲) ممکن - **﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لَا عَيْنَ﴾**

۳) ناممکن - **﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لَا عَيْنَ﴾**

۴) اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان، نقیی هست و نه در اجراء و پیاده‌کردن آن» به ترتیب بر فهم درست و تأکید نموده‌ایم. (ریاضی ۹۲ با تغییر)

۱) قضای - قضای ۲) قضای - قضای ۳) قضای - قضای ۴) قضای - قضای (ریاضی ۹۲ با تغییر)



- ۲۰۳۶- اعطای ویژگی «مختار بودن» به انسان و «مابع بودن» به آب، بیانگر خداوند است و خروج هر یک از این دایره، به ترتیب و است.
- ۱) تقدير - ممکن - ناممکن ۲) قضای - ممکن - ممکن ۳) تقدير - ناممکن - ناممکن ۴) قضای - ناممکن - ممکن (تمهی ۹۷)
- ۲۰۳۷- از دقت در پیام آیه شریفه «أَنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِماً شَاكِرًا وَ إِماً كَفُورًا» مفهوم می گردد که .
- ۱) انسان، در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد
۲) هدایت به راه کمال، خواهانخواه توأم با فراز و نشیبها است
۳) قانون لطف، ایجاب می کند که هدایت انسان را که هر کثر در آن تخلی خواهد بود
۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد
- ۲۰۳۸- فروریختن دیوار کج، یک آن دیوار، یعنی کجی آن است، و حضرت علی در پاسخ آن فرد الهی است. این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است، و حضرت علی در پاسخ آن فرد (فارج از کشور ۹۱ با کلمی تغییر)
- ۱) تقدير - تقدير - قضای - قضای - قدر
۲) قضای - قضای - قضای - قضای - قدر
۳) قضای - قضای - تقدير - قضای - قضای
۴) تقدير - تقدير - قضای - تقدير - قضای
- ۲۰۳۹- از دقت در آیه شریفه «أَنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِماً شَاكِرًا وَ إِماً كَفُورًا» مفهوم می گردد که . است و ویژگی اختیار انسان، الهی است.
- ۱) اراده انسان، در طول اراده خداوند - مقضی به قضای
۲) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریع - مقدر به تقدير (فارج از کشور ۹۰ با کلمی تغییر)
۳) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریع - مقضی به قضای
۴) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریع - مقدر به تقدير
- ۲۰۴۰- اگر بگوییم: «پیاده کدن قوانین حاکم بر هستی به وسیله خداست» مفهوم این جمله آن است که حوادث جهان، وابسته به الهی است و ارزانی شدن «دلایل روشن» مفهوم به دست آمده از آیه می باشد.
- (ترکیبی ریاضی ۹۰ و هنر ۱۹ با تغییر)
- ۱) قضای الهی - (أَنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِماً شَاكِرًا وَ إِماً كَفُورًا)
۲) تقدير الهی - (أَنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِماً شَاكِرًا وَ إِماً كَفُورًا)
۳) تقدير الهی - (قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعليها)
۴) قضای الهی - (قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعليها)
- ۲۰۴۱- توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.
- (تمهی ۹۰ با کلمی تغییر)
- ۱) متبع - تقدير - علم ۲) متبوع - قضای - اراده ۳) تابع - تقدير - علم
- ۲۰۴۲- رابطه جاذبه موجود میان اشیا از الهی است و از خداوند سرچشمه می گیرد.
- (انسانی ۹۰ با تغییر)
- ۱) تقدير - علم ۲) تقدير - قدرت ۳) قضای - علم
- ۲۰۴۳- نظام تعیین شده میان موجودات، الهی است و خلق و اجرای موجودات خداوند است و خاستگاه تقدير او است.
- (هنر ۹ با تغییر)
- ۱) مقضی به قضای - مقدر به تقدير - علم ۲) مقدر به تقدير - مقضی به قضای - علم
۳) مقدر به تقدير - مقضی به قضای - اراده و مشیت
- ۲۰۴۴- با توجه به توحید و مراتب آن، در فهم قضای و قدر الهی که قضا برخاسته از و قدر برخاسته از است، تکیه گاه می باشد.
- (فارج از کشور ۱۹ با تغییر)
- ۱) علم - اراده - قضای - تقدير ۲) علم - اراده - قضای - تقدير
۳) اراده - علم - تقدير - قضای
- ۲۰۴۵- تعیین نقشه پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با اوست که به ترتیب و رقم می خورد.
- (هنر ۱۹)
- ۱) علم - اراده - قضای - تقدير ۲) اراده - علم - قضای - تقدير ۳) علم - اراده - تقدير - قضای
- ۲۰۴۶- در رابطه اراده انسان با اراده خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟
- ۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست خداوند است.
۲) اراده ما و عملی که از ما سر می زند همگی وابسته و در عرض اراده خداوند است.
۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سر زند داخل در تقدير الهی است.
۴) حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و ظاهری از قضای و قدر الهی است.
- (ریاضی ۱۱ با تغییر)
- ۲۰۴۷- «نزول دلایل روشن بر انسان» و «اختیار او» در قبول یا رد آن، از دقت در کدام آیه مفهوم می گردد؟
- (زبان ۱۹)
- ۱) (إِنَّ اللَّهَ يَمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ إِنَّ تَزُولاً) ۲) (أَنَّ اللَّهَ سُخْرُ لَكُمُ الْبَحْرُ فِيهِ بَامْرِهِ) ۳) (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُلَنَا بِالْبَيْنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ) ۴) (قد جاءكم بصائر من ربكم ...) کدام مفهوم مستفاد نمی گردد؟
- (انسانی ۱۱ با تغییر)
- ۲۰۴۸- از آیه شریفه «قد جاءكم بصائر من ربكم ... » کدام مفهوم مستفاد نمی گردد؟
- ۱) با وجود روش بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می کنیم.
۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هر کس آن را در خود می یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد.
۳) همین اختیار محدود ما مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.
۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است و به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- (ریاضی ۱۸ با تغییر)
- ۲۰۴۹- بین نظام مقدار جهان و اراده و اختیار انسان رابطه حاکم است، به این معنی که می باشد.
- ۱) طولی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند
۲) عرضی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند
۳) طولی - انسان، همان را اراده می کند که مقدار او



۲۰۵۰- آن جا که یک عامل در عامل دوم تأثیر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه همکاری دارند تا یک معلول محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موافق با آن و می‌باشد. (ریاضی ۱۶)

- ۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش
- ۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
- ۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش

تألیفی

۲۰۵۱- دو بیت زیر با کدام عبارت پیرامون اختیار انسان، تناسب مفهومی دارد؟

«گفت کز چوب خدا این بندهاش می‌زند بر پشت دیگر بندهاش
چوب حق و پشت و بهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او»

- ۱) بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم و آن‌ها را انتخاب نمی‌کنیم.
- ۲) با وجود روش‌بودن اختیار، شواهدی برای استدلال آن را در بیرون از خود می‌یابیم.
- ۳) اختیار که معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجودی و جدایی وغیر قابل انکار است.
- ۴) میان حرکات اختیاری انسان با حرکات غیراختیاری او تفاوت اساسی وجود دارد که امری مشهود است.

۲۰۵۲- قرآن کریم چه علته را برای «وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبْدِ» بیان کرده است؟

- ۱) هدایت او به راه رستگاری
- ۲) کدران نادرست پیشین
- ۳) نزول دلایل روش الهی
- ۴) تحلفناپذیری از قضا و قدر الهی

۲۰۵۳- آبی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، ریشه در فهم کدام مسئله دارد؟

- ۱) هر حادثه‌ای هدف معین و مشخصی دارد و از سر غفلت یا ندانمکاری رخ نمی‌دهد.
- ۲) خداوند هر یک از مخلوقات را با ویژگی‌ها و اندازه‌های خاص آفریده که سبب نتیجه معینی می‌شود.
- ۳) نظم فعلی جهان یک اتفاق از میان میلاردها اتفاق ممکن دیگر است.
- ۴) ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است و ما مختار نیستیم.

۲۰۵۴- در کدام یک از آیات شریفه به یک حقیقت وجودی و بی‌نیاز از استدلال، اشاره شده است؟

- ۱) ﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۲) ﴿إِنَّا هُدِينَاهُ التَّسْبِيلَ إِيمَّا شَاكِرًا وَ إِيمَّا كَفُورًا﴾
- ۳) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبْدِ﴾
- ۴) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهَيْنَاهُمْ سَبَلَنَا﴾

۲۰۵۵- خداوند این گونه نموده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی اوست، فرار کند، حتی

اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده است، چون

- ۱) تقدیر - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.
- ۲) قضایا - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.
- ۳) تقدیر - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.
- ۴) قضایا - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.

۲۰۵۶- اگر بخواهیم با بررسی علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، کل یک عمل را به هر یک از عوامل نسبت دهیم، باید چه دیدگاهی در خصوص آن عوامل داشته باشیم؟

۱) یک عامل در هر یک از عوامل بعدی اثر می‌گذارد تا اثر خود را به معلول منتقل کند.

۲) چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری عوامل دیگر مشارکت می‌کنند.

۳) هر کدام از عوامل نیروی خاص و مستقل از دیگری وارد می‌کنند و نقشی متفاوت بر عهده دارند.

۴) هر علته، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد تا به نخستین عامل می‌رسد.

۲۰۵۷- چرا امام علیؑ فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم؟»

- ۱) آتا هدیناه التسبیل إيمّا شاكِرًا وَ إيمّا كَفُورًا﴾
- ۲) ﴿اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ﴾
- ۳) ﴿قُلْ أَغْبَرَ اللَّهُ أَيْغَرْ رَبًا وَ هُوَ ربُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾
- ۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّيَ وَ رَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ﴾

۲۰۵۸- از آیه شریفه «قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلينفسه ومن عمی فعليها» کدام مفهوم دریافت می‌شود و ناظر بر کدام یک از شواهد اختیار است؟

۱) انسان به دلیل انسان‌بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روش الهی، راه درست را تشخیص دهد - قدرت تفکر و تصمیم

۲) انسان به دلیل انسان‌بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روش الهی، راه درست را تشخیص دهد - احساس رضایت یا پیشیمانی

۳) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواناخواه تحمل کند - احساس رضایت یا پیشیمانی

۴) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواناخواه تحمل کند - قدرت تفکر و تصمیم

۲۰۵۹- یکی از یاران حضرت علیؑ که به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» چگونه قضایا و قدر الهی را دریافته بود؟

۱) فروریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است که متناسب با قضای خداوند صورت می‌گیرد.

۲) اعتقاد به قضایا و قدر نه تنها مانع تحرک و عمل انسان است، بلکه متناسب با اختیار است.

۳) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود ولی قضای الهی فقط با شرایط خاص تغییر می‌کند.

۴) هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و تقدیر چیزی ورای قانونمندی و نظم است.



۲۰۶۰- وجودانی بودن اختیار با کدام‌یک از مفاهیم زیر مرتبط است و به چه معناست؟

- ۱) مشهود - هر کس آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- ۲) مشهود - نفس یا وجودان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.
- ۳) معلوم - هر کس آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- ۴) معلوم - نفس یا وجودان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.

۲۰۶۱- بیامد اعتقاد به این که: «نقشهٔ جهان با همهٔ موجودات و ریزگری‌ها و قانون‌های از آن خدا و اجرا و پیاده کردن آن نیز به ارادهٔ خداست.» چیست؟

- ۱) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود.
- ۲) نه در تقدیر جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.
- ۳) تقدیر الهی شامل همهٔ ریزگری‌ها، کیفیت‌ها و کلیهٔ روابط میان موجودات می‌شود.
- ۴) جهان خلقت حافظ و نگهبانی دارد که در کار او اشتباه نیست.

۲۰۶۲- مطابق تعالیم اسلامی، چگونه در فعل اختیاری تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، انجام نمی‌گیرد اما در عین حال، وجود ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به ارادهٔ خداوند است؟

- ۱) ارادهٔ انسان، مقدم بر ارادهٔ خداست ولی به او وابسته است.
- ۲) انسان، اثر عامل اول یعنی خدا را بر روی سایر موجودات منتقل می‌کند.
- ۳) اختیار انسان نقشی بر عهده دارد که با نقش اراده الهی مشارکت می‌کند. (۴) اراده انسان در طول ارادهٔ خداست و با آن منافات ندارد.

۲۰۶۳- «سنجدین جوانب کار، استوارنمودن عده‌ها و پیمان‌ها و دچارشدن به تردید» به ترتیب، ناظر بر کدام‌یک از شواهد وجود اختیار است؟

- ۱) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
- ۲) تفکر و تصمیم - احسان رضایت یا پشیمانی
- ۳) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - احسان رضایت یا پشیمانی

۲۰۶۴- حضرت علیؑ بیهوده و باطل شدن پاداش و مجازات را نتیجهٔ کدام پندار نادرست دانسته‌اند؟

- ۱) جبری و حتمی بودن قضای و قدر
- ۲) شرک تلقی‌کردن توسل به ائمهؑ
- ۳) اعتقادنداشتن به مقدرات الهی و نظم جهان
- ۴) اراده الهی را در عرض اراده حق دانستن

۲۰۶۵- اگر بگوییم: «نه در نقشهٔ جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر الهی مهر تأکید نهاده‌ایم که اصطلاح قرآنی، هم‌مفهوم با «تحمیت بخشیدن» است.

- ۱) علم - حکمت - دوم
- ۲) قدرت - حکمت - اول
- ۳) علم - اراده - دوم
- ۴) قدرت - اراده - اول

۲۰۶۶- کلام خداوند در عبارت: «فمن ابص فلسفه و من عمی فعلیهای» به چه معنی است و خداوند در پی: «ذلك بما قدّمت ایدیکم» چه فرموده است؟

۱) برای هدایتشدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.

۲) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را پذیرد - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.

۳) برای هدایتشدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.

۴) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را پذیرد - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.

۲۰۶۷- سخن امیرالمؤمنین علیؑ: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» در نفی کدام دیدگاه و حاکی از کدام حقیقت است؟

- ۱) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - اعتقاد به قضای و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.
- ۲) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناجیز است - فروریختن دیوار کچ یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
- ۳) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - فروریختن دیوار کچ یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
- ۴) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناجیز است - اعتقاد به قضای و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.

۲۰۶۸- با توجه به آیه شریفه: «وَ أَنْ عَلِيهِمْ لِحَافِظِينَ» تعیین فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان و سپس ریزه‌کاری‌های جهان و موقعیت مکانی موجودات آن و آیه: «قُلَّ اللَّهُ خالقُ كُلُّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» به ترتیب حاکی از کدام است؟

- ۱) قضای - تقدیر - قضای - تقدیر
- ۲) تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضای
- ۳) قضای - قضای - تقدیر - تقدیر

۲۰۶۹- مفهوم صحیح قدر و قضای الهی کدام است؟

- ۱) هر پدیده‌ای تقدیر و اندازه خاص خود را دارد و اراده الهی بر تعیین ویزگی‌های مخلوقات تعلق گرفته است.
- ۲) نظم حاکم بر جهان، اتفاقی از میان میلاردها اتفاق ممکن دیگر بوده و غیر قابل تغییر و دگرگونی است.
- ۳) هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.
- ۴) تقدیر و قواعد حاکم بر جهان خلقت قابل تغییر است و گرنه هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری انسان پیدید نمی‌آید.

۲۰۷۰- ریختن دیوار کچ متناسب با آن و یک الهی است، اما اگر دیگری داشته باشد، دیگری را به دنبال خواهد آورد و انتخاب مناسب، نتیجهٔ شناخت است.

- ۱) تقدیر - قضای - قضای - تقدیر - همهٔ تقدیرات و قضای آن
- ۲) قضای - تقدیر - قضای - تقدیر - همهٔ تقدیرات و قضای آن
- ۳) تقدیر - قضای - قضای - این دو تقدیر و دو قضای



۲۰۷۱- میان آیات شریفه: ﴿قُلْ أَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغِيْ رِبًا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ و ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ إِنَّمَا شَاكِرُّا وَ إِنَّمَا كَفُورُّا﴾ چه ارتباطی وجود دارد؟

۱) تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداوند است و یک اراده بر جهان حاکم است.

۲) اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلیت و قدرت تصمیم‌گیری دارد.

۳) انسان با شناخت قانون‌مندی‌های الهی و ردشدن از آن‌ها می‌تواند اختیار خوبی را بروز و ظهر دهد.

۴) در پیدایش و پرورش هر پدیده دو عامل اراده الهی و اختیار انسان به صورت همزمان و با همکاری یکدیگر مشارکت می‌کنند.

۲۰۷۲- در پرسش: «آیا از قضای الهی می‌گریزی» میان قضایا و قدر الهی با اختیار انسان چه نسبتی برقرار شده است و فروع‌بخشن دیوار سست و کج متناسب با کدام مورد است؟

۱) سازگاری - انتخاب درست انسان

۲) ناسازگاری - انتخاب درست انسان

۳) سازگاری - تقدیر خاص آن دیوار

۴) کدام عبارت، توصیف‌کننده «قدر و قضای الهی» است؟

۱) قضای الهی در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

۲) قضا و قدر هر دو از مظاهر حکمت خداوند در به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین هستند.

۳) کل آفرینش تحت امر قدر الهی است و ویژگی‌های هر موجودی قبل از ایجاد و خلق، مقدار شده است.

۴) قضای الهی مربوط به مقام ایجاد و آفرینش است و جهان هستی با یک اتفاق موجود شده است.

۲۰۷۴- کدام آیه شریفه، به دیدگاه افرادی که عهدها و پیمان‌ها را براساس مستولیت‌پذیری انسان استوار می‌کنند، اشاره دارد؟

۱) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدِمْتَ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لِيُسَرِّ بَطْلَامَ الْعَبِيدِ﴾

۲) ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بَطْوَنِهِمْ نَارًا وَ سِيمَلُونَ سَعِيرًا﴾

۳) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا نَهَيْنَاهُمْ سَبِيلًا﴾

۴) ﴿فَمَنِ ابْصَرَ فَلَنْفَسَهُ وَ مَنْ عَمِيَ فَلَعْلَيْهَا﴾

۲۰۷۵- کدام مورد نمونه‌ای برای واسنگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی است؟

۱) پرورش گل

۲) ساختن بنا

۳) تولید لباس

۴) نوشتن مقاله

۲۰۷۶- با توجه به آیات قرآن کریم، دلیل گرفتاری انسان‌ها به عقوبیت در قیامت چیست و نشانه اختیار آنان با توجه به این آیه کدام است؟

۱) ﴿يَعْبُدُ اللَّهُ عَلَى حِرْفٍ﴾ - احسان پشمیانی

۲) ﴿بِمَا قَدِمْتَ أَيْدِيكُمْ﴾ - مستولیت‌پذیری

۳) ﴿بِمَا قَدِمْتَ أَيْدِيكُمْ﴾ - احسان پشمیانی

۴) کار هر یک از اعضای بدن «مرتبط با کدام مورد است و وجود آن به چه معناست؟

۱) تقدیر الهی - در یک جهان قانون‌مند، امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.

۲) قضای الهی - در یک جهان قانون‌مند امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.

۳) تقدیر الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباہی نیست.

۴) قضای الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباہی نیست.

۲۰۷۸- خداوند، راه بینایی و کوردلی را برای انسان‌ها چگونه باز گذاشته است و این موضوع کدامیک از شواهد اختیار انسان را بیان می‌کند؟

۱) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ إِنَّمَا شَاكِرُّا وَ إِنَّمَا كَفُورُّا﴾ - تفکر و تصمیم

۲) ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ - مستولیت‌پذیری

۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمْ إِنَّمَا شَاكِرُّا وَ إِنَّمَا كَفُورُّا﴾ - تفکر و تصمیم

۴) از دیدگاه امیرالمؤمنین ﷺ چرا باید از قضای الهی به قدر الهی پناه برد؟

۱) هر حادثه‌ای، فقط یک قضا و قدر دارد.

۲) همه امور به دست ما است و با اختیار قابل تغییر می‌باشد.

۳) اعتقاد به قضای و قدر، عامل انتخاب درست است.

۴) تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است، فقط باید تقدیر را شناخت.

۲۰۸۰- بدون هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید و این مورد، توسط انسان قابل است.

۱) قدر و قضای الهی - یافتن و بهره‌گیری

۲) اختیار و انتخاب - تغییر و تبدیل

۳) قدر و قضای الهی - تغییر و تبدیل

۴) اختیار و انتخاب - یافتن و بهره‌گیری

۴) بیت زیر مفهوم کدام آیه شریفه را مورد تأکید قرار داده است؟

هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

۱) ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِرْفٍ فَانِ اصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَانَ بِهِ﴾

۲) ﴿وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مِنْ حِيثِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۳) ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ ابْصَرَ فَلَنْفَسَهُ وَ مَنْ عَمِيَ فَلَعْلَيْهَا﴾

۴) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدِمْتَ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لِيُسَرِّ بَطْلَامَ الْعَبِيدِ﴾

